



مسئولیت کیفری (افراد دچار اختلالات روانی در ایران)

عرفان فتوحی^۱، سید امیر محمد هاشمی نژاد^۲

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی ارشد حقوق پزشکی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

۲- لیسانس روانشناسی دانشگاه یزد

چکیده

منظور از اختلال روانی در قانون مجازات اسلامی وجود برخی اختلالات شدید روانی است به نحوی که مجرم در زمان ارتکاب جرم، اراده کامل به اعمال خود نداشته و از نتایج آن نیز بی اطلاع بوده باشد. مبتلایان به اختلالات روانی به عنوان عضوی از یک جامعه از یک سو، نیازمند توجه حمایتی قانونگذار می باشند و از سوی دیگر، این دسته از مبتلایان به اختلالات روانی ممکن است دچار حالت خطرناک بوده و به آزادی منافع دیگر افراد جامعه لطمه وارد آورده و نظم و امنیت اجتماعی را مختل نمایند. با توجه به میزان افراد مبتلابه اختلالات روانی در جامعه و هزینه های اجتماعی و اقتصادی سنگین ناشی از این گونه بیماری ها برای فرد و خانواده و جامعه و با عنایت به وجود خلا قانونی در مورد نحوه شناسایی این بیماران و رعایت حقوق آنان در مراحل مختلف بستری، درمان و ترخیص، در راستای ارتقای سلامت روان جامعه و رفع موانع تنش آفرین در زندگی فردی و اجتماعی، ترویج آموزش های اخلاقی و معنوی و قانون گذاری جامع برای حمایت از این قشر از افراد جامعه این تحقیق به دنبال بررسی میزان مسئولیت کیفری تعیین شده برای این دسته از افراد و همچنین قوانین مربوط به آن در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

کلید واژه: اختلالات روانی، مسئولیت کیفری مجانین



مقدمه

امروزه همگام با پیشرفت علم پزشکی و روانپزشکی حقوق کیفری ایران از حالت انتزاعی و ذهن‌گرایی صرف دربرخورد با افراد دارای اختلال روانی خارج شده و به سمت عینیت و واقعیت‌گرایی در اجرای کیفر این اشخاص گام برداشته است. چنانچه مسلم است اجرای کیفر مستلزم آن است که شخص به هنگام ارتکاب به جرم از درک و شعور لازم برخوردار بوده و اعمال وی از روی اراده و آگاهی باشد در غیر این صورت جرم به وی قابل انتساب نیست. برای رسیدن به این مهم باید مصادیق بیماری‌های روانی که در آنها فقدان قوه تشخیص و اراده به چشم می‌خورد که باید توسط پزشکان و روانپزشکان حاذق تعیین گردد، بررسی شود که بر اساس آن می‌توان از مجازات بسیاری از بیمارانیکه ممکن است مستحق تیغ تیز عدالت نباشند، جلوگیری نمود. این در حالی است که قانون مجازات ایران به نوعی در تعیین واکنش نسبت به افراد دچار اختلالات نسبی سکوت اختیار کرده است که خود از نواقص رویکرد قانون یاد شده به شمار می‌رود.

۱- اختلالات روانی

۱-۱ اختلال روانی: بر اساس تعریف نسخه چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، اختلال روانی یعنی سندروم یا الگوی رفتاری یا روانشناختی دارای اهمیت بالینی که در یک نفر دیده می‌شود و توأم با ناراحتی یا ناتوانی یا افزایش معنا دار خطر رنج، مرگ، درد، ناتوانی یا از دست دادن آزادی است در ضمن این سندروم یا الگو نباید کاملاً قابل انتظار و یا پاسخی باشد که از لحاظ فرهنگی در برابر یک اتفاق یا رویداد خاص (مثل مرگ عزیزان) موجه و پذیرفتنی است. این الگو یا سندروم، هر علتی داشته باشد در آن لحظه، تظاهر یک ناکارایی رفتاری، روانی یا زیست‌شناختی در فرد می‌باشد. رفتار انحرافی (مثل انحرافات دینی، سیاسی یا جنسی) یا اختلافات بین فرد و جامعه لزوماً اختلال روانی محسوب نمی‌شود، مگر آن که انحراف یا تعارض مورد نظر، نشانه ناکارایی اشاره شده در فرد باشد. (فیرس، ۱۴۰۱) نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، اختلال روانی را سندرمی معرفی می‌کند که نابسامانی قابل توجه در رفتار، احساسات و شناخت را به همراه دارد و عملکرد فرد را در زندگی فردی، خانوادگی و شغلی دچار مشکل می‌کند و بر روابط اجتماعی فرد تأثیر منفی می‌گذارد. البته باید توجه داشته باشید که هر رفتار غیر طبیعی و ناهنجاری یک اختلال روانی نیست.

(<https://mrpsychologist.com/what-is-mental-disorder>)



۲- **رفتار نابهنجار**: کلمه نابهنجار یا غیر طبیعی یعنی هر آنچه از حالت طبیعی و استاندارد خارج باشد؛ حالت طبیعی و استاندارد جسم انسان، انسجام ساختار بدن و هماهنگی کنش های بدنی است. در سطح روانشناختی رفتار نابهنجار از طریق ملاک اجتماعی، ملاک آماری، ملاک میزان سازگاری و ... از رفتار بهنجار متمایز میشود. (هیلگارد، و همکاران، ۱۳۹۶)

۳- **طبقه بندی**: دانشمندی که بر روی بیماری های روانی مطالعه می کردند، بیماری ها را بسته به علل و نشانگانی که از آن به دست می آوردند در طول سالیان آنها را دسته بندی می کردند و امروز دو طبقه بندی مهم در جهان وجود دارد که هر یک به گونه ای معتبر هستند. ICD۱. این نسخه از کتاب راهنمای اختلالات روانی بیشتر در اروپا معتبر و رایج است، DSM۲. راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی که اعتبار بالاتری دارد در دانشکده های روانشناسی آمریکا تالیف و مورد استفاده قرار می گیرد و تاکنون در ۵ نسخه چاپ شده است. (کاپلان و سادوک، و همکاران، ۱۳۹۸)

۲- مبانی مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری، مبانی توجی کننده آن و نقشی که این موضوع در تائین کیفر و سایر واکنش های جامعه، نسبت به بزه کاران دارد، دانشمندا حقوق و محققان علوم کیفری بر آن داشته که موضوع مسئولیت کیفری را توجه کنند و بر مبنای داده های علوم تجربی و انسانی مورد ارزیابی قرار بدهند. پیشرفت هایی که علوم زیست شناسی، روانشناسی، پزشکی، جامعه شناسی کیفری و آمار جنایی و سایر دانش های ذی ربط، نصیب دانش های بشری نموده بر حساسیت و اهمیت مسئله افزوده و موجب گردیده که این موضوع از بوته اجمال خارج شده و ضرورتا در راس مهم ترین مباحث حقوق جزا و جرم شناسی قرار گیرد. (مبانی مسئولیت کیفری در حقوق اسلام و فرانسه (اشرفی دلفانی، ۱۳۸۲)

۱- **معانی مسئولیت کیفری**: در فرهنگ ها لغت، مسئولیت به معنای قابل بازخواست بودن انسان آمده و غالبا به مفهوم تکلیف، وظیفه و آنچه انسان عهده دار شده است، تعریف شده است در فرهنگ جامع نوین آمده است: مسئولیت یعنی شایسته بازخواست بودن (سیح، ج ۱، ص ۶۶۴) در مفردات راغب مسئولیت چنین تعریف گشته است: سوال به معنای خواهش، درخواست و پرسش است، چنان که گفته می شود: سالت من حله، به معنی از حاش پرسید (ابی القاسم، ص ۲۵۰) در لغت نامه دهخدا گفته شده است: مصدر جعلی از مسئول، ضامن، تعهد، مواخذه، مسئول بودن، موظف بودن به انجام امری و متعهد بودن است. (دهخدا، ج ۴۳، ص ۴۴)



۲-۲- تعریف و مفهوم واژ کيفری

در مورد واژ کيفری، در فرهنگ لغت ها معانی مختلفی ذکر شده است که به آن ها اشاره خواهیم کرد. در فرهنگ نامه دهخدا آمده است: کيفر: مکافات بدی، جزا و پاداش، عقوبت، عقاب و مجازات قانونی (اکبر دهخدا، همان، ج ۳۸، ص ۴۷۵) (صانعی،، ج ۲، ص ۶) که معادل انگلیسی در فرهنگ نامه های خارجی واژه Criminal آن هست که به این صورت معنی خواهد شد: آن چه که به حقوق ناظر به جرایم یا اجرای عدالت کيفری، وابسته یا مرتبط باشد (Henry Campbell Black, M.A. Black's law Dictionary, 1984, p:196)

۳- مفهوم مسئولیت کيفری

یکی از بهترین تعاریف موجود که تقریباً به تمام جوانب مسئولیت کيفری پر داختمه تعریف آقای دکتر نوربها بوده است که می گوید: مسئولیت کيفری یعنی توانایی یا قابلیت انتساب فعل یا ترک فعل قابل مجازات یا اقدامات تامینی به کسانی که توان تحمل بار مجازات یا اقدامات تامینی را داشته باشند (نوربها،، ص ۱۰)

۴- مبانی و شرایط تحقق مسئولیت کيفری

یکی از ارکان تقصیر و مجرمیت، مسئولیت می باشد. جرم وقتی محقق می شود که علاوه بر قابلیت انتساب، شرایط مجرمیت و مسئولیت نیز وجود داشته باشد. بعضی از حقوق دان ها انتساب را اولین شرط مسئولیت می دانند و مسئولیت، جرم و انتساب را سه امر مرتبط به هم و مکمل یک دیگر تلقی می کنند. # (جندی،، ص ۶۶-۶۴) در مورد شرایط مجرمیت و مسئولیت نیز باید گفت، برای تحقق مسئولیت کيفری نیز شرایطی لازم است که در صورت عدم تحقق هر کی. آن شرایط، مسئولیت کيفری به وجود نخواهد آمد. اولاً: فعل و عمل مجرمانه ای که مطابق قانون و در عالم خارج حادث شده باشد. ثانیاً: شخص واجد اهلیت جزایی، آن واقعه خارجی را ایجاد کرده باشد. ثالثاً: جرم ارتكابی قانوناً قابل انتساب به شخص مرتکب باشد.

۱-۴- مبانی کلی مسئولیت کيفری از دیدگاه حقوق عرفی

۱-۱-۴- مبانی روانی مسئولیت (مسئولیت روانی): یکی دیگر از پایه هایی که مسئولیت جزایی بر آن استوار است، آن هست که مجرم از نظر روانی قابل سرزنش باشد. اگر بزه کار با توسل به یافته های علوم روانی فردی غیر مسئول شناخته شود مسئول انگاشتن او غیر عقلانی بوده و هیچ یک از اهداف ثانوی گذار را تامین نخواهد کرد. در روزگار گذشته انسان های مجنون نیز، هم چون افراد عاقل دارای مسئولیت جزایی بودند (پیروز صانعی، ج ۱، ص ۳۱) حتی اگر مرتکب جرمی نشده بودند مجازات شده و شلاق می خوردند تا شیطان از بدنشان خارج شود. برای اولین



بار در مغرب زمین در اواخر قرن هیجدهم میلادی بود دوتن از روانپزشکان به نام های پینل و اسکیرل ، عقاید تازه ای در این زمینه ارائه نمودند و نتیجه مطالعات ایشان در سرنوشت دیوانگان موثر افتاده و عقاید آن ها در قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه آمده که برای اولین بار به طور صریح عدم مسئولیت دیوانگان را اعلام داشت، به طوری که تا قبل از آن در اروپا ، هم در دوران باستان و هم در عهد نه چندان دور ، مجنون ، مسئول محسوب می گردید. در ایران در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ در ماده ۴۰ عدم مسئولیت آن ها را پذیرفت . در ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۵۲ با طرح اصطلاحات (فقدان شعور) و (اختلال تام یا نسبی در قوه تمیز و اراده) به جای لفظ جنون ، عدم مسئولیت کیفری بزه کاران مختل المشاعر و فقدان شعور مورد تاکید قرار گرفت در ماده ۲۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ و ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مجددا لفظ جنون به کار رفته و عدم مسئولیت مجانین به طور خاص مورد توجه قرار گرفت . این در صورتی هست که دین اسلامی عدم مسئولیت مجانین را مورد توجه قرار داده است و یکی از شرایط عمومی تکلیف را عقل لحاظ نموده و آن را دایر مدار ثواب و عقاب قرار داده است . در حدیث رفع این موضوع به درستی نمایان هست و روایتی دیگر (اما انی ایاک آمر و ایام انهی و ایاک اعاقب و ایام اثیب) ترجمه : همانا من تو را (عقل) مورد امر و نهی قرار می دهم و پاداش و مجازات هم به تو تعلق می گیرید . « (کلینی، ج ۱، ص ۱۰)

۵- شرایط عمومی تحقق مسولیت کیفری در حقوق ایران

اگر برای تحقق جرم خاصی ، علاوه بر این شرایط که فعل یا ترک فعل نامبرده در قانون هست مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ماده ۲ حدوث شرایط و اوضاع و احوال دیگری نیز لازم باشد ، می بایست آن موارد نیز محقق گردد تا جرم منظور ، تحقق یافته و به تبع آن مسئولیت جزایی نیز قابل انتساب به مجرم باشد . مثال : برای تحقق جرم کلاه برداری ، صدور چک بی محل ، جعل و علاوه بر شرایط عمومی تحقق جرم و مسئولیت جزایی ، حصول شرایط خاص دیگری نیز لازم است . چنان چه شرایط مربوط به هر کدام از جرایم یاد شده ، عینیت و وجود خارجی نیافته باشد (حتی با فرض این که شرایط عمومی تحقق جرم نیز موجود باشد) تحمل مسئولیت جزایی و کیفری بر مرتکب غیر ممکن خواهد بود .



۱-۵- مفهوم مجرد حقوقی

یکی از عناصر عمومی تحقق جرم و به تبع آن مسئولیت کیفری، آن است که فعل یا ترک فعل صادره از سوی مرتکب، در قوانین جزایی عنوان مجرمانه داشته باشد لذا برای این که فعل یا ترک فعل عنوان مجرمانه پیدا کند لازم است که این امر قبلاً در متون حقوقی عنوان شده باشد.

۲-۵- وجود عمل مجرمانه

برای این که فعل یا ترک فعل مجرمانه پیش بینی شده در قانون، در خارج متبلور گردد و صورت عینی به خود بگیرد لازم است شخص یا اشخاصی آن را به انجام رسانند و تا هنگامی که عمل ممنوع به صورت مادی نمایان نشده، تصور تحقق جرم نیز باطل است.

۳-۵- قابلیت روانی اسناد مسئولیت کیفری

ضروری هست که مرتکب جرم در ارتکاب بزه انجام یافته، عمد و قصد داشته و یا به گونه ای عمل کرده باشد که فعل وی، توأم با یک خطای جزایی قابل تعقیب، از قبیل بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی و ... باشد

۴-۵- فقدان موانع تحقق مسئولیت جرایمی

شرایط تحقق مسئولیت کیفری آن هست که علل و عواملی که موجب انعدام و انتفای آن می شود، مفقود باشد. بدین ترتیب، اگر در جریان ارتکاب جرمی سه شرط پیش گفته موجود بوده و موانعی نیز در میان نباشد، مسئولیت کیفری به مرتکب قابل انتساب خواهد بود.



نتیجه گیری

به نظر میرسد، افراد مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب میشود و مسئولیت کیفری ندارد. ناگفته پیداست، جنون ادواری بودن باید مشهود باشد زیرا جنون از مسایل موضوعی است نه حکمی و واقعی است که باید احراز شود که نیازمند کارشناس علوم روانی و طبی است. در تشخیص جنون ادواری، قاضی همکاری شخص پزشک را جلب میکند. در واقع، مرتکب یکی از جرایم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمیشود. بنابراین، متهم در زمان ارتکاب جرم و محاکمه سالم بوده اما هنگام اجرای مجازات مبتال به جنون میشود که در اینجا هم جنون موجب سقوط مجازات نمی شود. افراد مبتال به اختلال روانی، از عوامل رافع مسئولیت میباشد و مهمترین مستند آن حدیث رافع است که از پیغمبر اسالم (ص) نقل شده است که میفرماید: رفع القلم عن ثالث، عن الصبی حتی یبلغ، و عن النائم حتی یتیقظ و عن المجنون حتی یفقی.



منابع

- ۱- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- ۲- شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل ، ص ۷
- ۳- پرویز صانعی ، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۱
- ۴- عبدالملک جندی، الموسوعه الجنائیه، الجزء اثلث، ص ۶۶- ص ۶۴
- ۵- رضا نور بها، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی، ص ۱۰
- ۶- پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۶
- ۷- علی اکبر دهخدا، لغت نامه ، ج ۴۳، ص ۴۴
- ۸- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۳۸، ص ۴۷۵
- ۹- محمد ابی القاسم، معروف به راغب اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۵۰
- ۱۰- احمد سیح، فرهنگ بزرگ جامع نوین ، عربی - فارسی، ج ۱، ص ۶۶۴
- ۱۱- علی اشرفی دلفانی، سال نشر ۱۳۸۲، مبانی مسئولیت کیفری در حقوق اسلام و فرانسه ، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ، پژوهشکده فقه و حقوق
- ۱۲- کاپلان و سادوک، جیمز سادوک و همکاران ، انتشارات ارجمند، ۱۳۹۸
- ۱۳- هیلگارد، اتکینسون و همکاران، انتشارات رشد ، ۱۳۹۶
- ۱۴- روانشناسی بالینی فریس، ترجمه فیروز بخت ، نشر رشد ، ۱۴۰۱
- ۱۵- سایت (<https://mrpsychologist.com/what-is-mental-disorder>)

16 - Henry Campbell Black, M.A. Black's law Dictionary, 1984, p:196